

حوزه معنویت، ارتباط تام با حیطه های عالم ماده دنیا، در بُعد وسیع خود دارد. در نگاه مادی به پدیده های دنیوی، هر پدیده ای پدید آورنده اش، در همان حوزه است؛ مثلاً اگر باران کم و زیاد شد دنیا مداران، طبیعیون، ماتریالیست ها فقط در همین حوزه جستجو می کنند، که علت چه بوده است؟ ولیکن در نظر و منظر اسلام حوزه های درگیر باید بررسی شود. پیامبر(ص) می فرماید: «اذا جار الحکام قلّ المطر» وقتی مدیر اداره، پدر درخانه ستم کرد تأثیرش را در باران با برکت جستجو کنید. در سرزمین هایی که سوء سیستم سلطه ستم وجود دارد، زمان و میزان باران به دنبال خود به جای برکت، نکبت می آورد. در حدیث دیگری آمده است: «اذا شاع الفساد کثر موت الفجاء» هرگاه فساد افزایش یابد مرگ ناگهانی زیاد می شود «بنابراین وقتی در حوزه بهداشت شاهد مرگ ناگهانی بودید فقط در همان درون حوزه به دنبال پدید آورنده ها نباشید.

چه می شود که من توفیق اندیشیدن ندارم؟ چه شده است که در محفلی حکیمانه شرکت می کنم به محض خروج فراموش می کنم؟ اگر هر انسان به طور متوسط به گزارش سازمان بین المللی جهانی ۶۲ سال زندگی کند، کسر ۱/۳ را خواب خواهد بود (۲۰ سال) در چهل سال مابقی، به طور مثال، هواسم هم به رانندگی است و هم به همسر اما خداوند حق ندارد که ۱۷ رکعت هواسم به او باشد؟ چهل سال است یک جور نماز می خوانم، فکر و بهجت ام عوض نشده است. ما از گناه فقط یک لیستی و یک اسمی شنیدیم، اما آیا اثر وضعی آن همچون اثر تکلیفی اش در روایات آمده است؟ این اثرات در کجا خود را نشان می دهد؟ مسلماً در جمعیت و فردیت من، در خلوت من و در جلوت من نمایان است. پیامبر(ص) می فرماید: «الغیبه اشدّ من الزّنا» غیبت شدید تر از زناست «کاری با عمامه و ریش ندارد از هرکسی

سر بزند اشدّ من الزّناست. با توجه به مقدمات فوق در ادامه می خواهیم، بحث را در سه محور زیر ادامه دهیم:

- کیفیت تأثیر گناه در رزق (حکمت)
- مراحل تأثیر گناه در رزق
- آثار وضعی هر کدام از گناهان

حکمت عام در احکام این چنین است: اگر شمایی متخصص به جوانی خام بگویند ابتدا بنزین بزن و با خودت هم بنزین ببر و بعد داخل در جاده بشو، که اگر این کار نکنی ماشینت در جاده می ماند، این نه یعنی، چون حرف مرا قبول نکردی امیدوارم ماشینت وسط جاده بماند. زبان احکام، زبان کشف از حقیقت حکمت هاست، این حکمت حق خود توست. اگر نماز را برایت واجب کردم برای اینست که حق ات استیفا شود، یعنی پدر به بچه می گوید حتماً غذا بخور وگرنه مریض می شوی. نگاه ما به احکام از منظر حق است و نه تکلیف. تکلیف رویه افلاکی و بُعد یل ربی احکام است اما بُعد خاکی و یل نفسی بُعد حق است. نماز حق من است، همانگونه که خواب و خوراک حق من است. این سه، برایمان انرژی و توان به وجود می آورد. با خوردن غذا، سوخت و ساز ایجاد می شود، تجزیه و ترکیب می شود، انرژی آزاد می شود تا جسم تان توان پیدا کند و به خودش برسد؛ حال اگر غذا نخورید مریض می شوید، نحیف می شوید و در امتداد خواهید مُرد. خواب هم حق مگر ماست. مغز هم باید مثل بدن شارژ بشود که شارژ آن هم عمدتاً با خواب است. پروسه زمانی هشت شب تا چهار صبح، بهترین برنامه از زبان آیات و روایات برای شارژ کردن مغز است؛ حالا اگر نخوابم و مدت مدیدی بی خوابی را به خودم تحمیل کنم، حق سیستم عصبی و مغزی ام را ادا نکرده ام. پس نحیف و مریض شده و بعید نیست مغزم بعد از بیماری عصبی بمیرد. روح من هم مثل جسم و مغز شارژ کردن می خواهد که شارژ آن ذکر است و ذکر تمام، نماز است.

گفته اند نماز بخوان در پمپ بنزین صبح و ظهر و شب بایست و بنزین بزن و گرنه روح در بین راه می ماند. آنکه دیده بصیرت دارد می بیند روح فلان آقا چهل سال است، هنوز ده، دوازده ساله مانده است. اگر گفتند فلان کار را نکن به این دلیل اسات که پا روی حق خودت می گذاری و گرنه نمی از یم الهی کم نمی شود. اگر می گویم غیبت نکن مثل همان است که می گویم روزه بگیر: صومو تصحوا؛ روزه بگیرید، سالم بمانید.

اگر از منظر حق به گناه نگاه کنیم تعریفمان این می شود: اسم گناه و معصیت را عوض کنیم و خطا و جرم بگذاریم. حالا چرا دروغ جرم است؟ آیا به خاطر شرایط تاریخی و فرهنگی ملت ماست؟ آن خدایی که چرخونه گیتی را ساخت و چرخاند حقایقی را به عنوان قوانین حاکم بر این چرخه برای من و شما مکشوف کرد می گوید اگر جرمی مرتکب شوی، هر جرمی با دو واژه عجیب است: یکی جرم و یکی جریمه؛ روح را جرم می گیرد اگر روی گلبیگ های گل ذات تو صفات گل نشست، گل روزنه های تنفس این گل را می بندد. گل گلین آرام آرام پژمرده می شود، نحیف می شود و می میرد. گناه، کار گل را می کند و روی منافذ تنفسی روحمان را می پوشاند. این گل چندین روزنه را می بندد از جمله آنها روزنه روزی است. اگر قوانین و ارزش را زیر پا گذاشتی باید تقاص و کفاره پس بدهی. ضد ارزش ها جریمه دارد، این را همه عقلاء عالم قبول دارند. نظام عالم وجود هم که یک نظام معقول و عاقلانه است، قانونی ارزش مدار دارد، اگر خطا کنی جریمه دارد، که باید توبه کنی و توبه هم یعنی بازگشت که دو مفاد دارد: پاک کردن جرم، پرداخت جریمه. این توبه دو نوع است: اختیاری - بازگشت اجباری اگر خودتبا پای خودت آمدی این لباس کثیف شده و این روح جرم گرفته و این گل به گل نشسته را آرام آرام لطیف و با یک دستمال پاک کردی آب زدی

قَبْهَا ، وگرنه خدای مهربان تر از مادر از سر مهر به تو قهر نشان می دهد. باید در همین دنیا جریمه اش را پس بدهی ، چون قهر فردا بس عظیم تر از قهر امروز است . برای اینکه به جهنم فردا مبتلا نشوی دنیایت را جهنم می کنی. پارچه کثیف را که نمی شود با فوت کردن ذکر پاکش کرد ، باید بیندازی داخل آب خیس بخورد، مواد شوینده به آن بزنی و مشتش بدهی . فلسفه بلا در دنیا برای انسانهای متدین و نه برای اعداء الله و اولیاء الله ، تقاص کثیفی هاست ، پاک کردن جرم جُرم هاست.

بلا در سه جا سه مدل تعریف می شود { اولیاء خدا چرا مبتلا به بلا می شود کاری نداریم ، اعداء الله را هم کار نداریم } ما گاهی ولی الله هستیم ، گاهی اولیاء شیطان ، آن موقعی که با حضور قلب نماز می خوانی رفیق خدایی و آن زمانی که غیبت می کنی اله تو هوای نفست است. یکی از حکمت های بلا های ما پاک کردن جرم هاست . خوش به حال کسی که برنامه ای منظم برای توبه اختیاری داشته باشد و بیاید یکی یکی حقوقی را که از خودش ، خدا و مردم ضایع کرده بنویسد و در ورزمرگی زندگی مثل صبحانه و ناهار و شام و مثل خفتن و نماز خواندن ، سعی کند تک تک را به قلم گرفتن سوال کند . وصیت نامه نوشتن ذاتاً مستحب است برای کسی که بدهکار است واجب است آن هم وجوب عینی .

أَهْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طَوْلِ السَّفَرِ وَ عِزْمِ الْمَوْرِدِ . . . غَرَّةَ نَشْوِيمٍ بِه لَطْفِ خَدَا ( لَا تُغْرِنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغْرِنَكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ) بعضی این آیه را به غلط ترجمه کرده اند که شیطان باعث غرور و فریب شما به خدا نشود در حالی که معنی چنین است : از مهر و مهلت خدا فریب نخور . از فرصت و رخصت دادن خدا گول نخوریم ، امر خداوند بَغْتَهُ ( ناگهانی ) می رسد ، حق الناس اگر برآورده و تأمین نشود ، پرونده من بعد از برزخ در بین ارواح سرگردان می ماند تا یک جور تکلیف ام معلوم شود . هر حقی ضایع شود سه سوبه دارد : مثلاً اگر نماز نخوانم حق خدا را ضایع کردم ، حق خودم را هم ضایع کردم ، حق مردمی را که در بینشان زندگی می کنم را نیز ضایع کرده ام. شخصی آمد خدمت

امام صادق (ع) عرضه داشت ، یابن رسول الله وضع رزقم خوب بود اما مدتی است کساد شده و هرچه به دنبال دلیل می گردم ، می بینم هیچ کارم ایراد ندارد ، مرتکب معصیت هم نمی شوم ؟ آقا فرمود: در خانه ات درختی است که رویش کلاغی لانه کرده بدون اینکه لانه خراب کنی ، بردار و بیرونش کن . مرد تعجب کرد که لانه چه کار دارد به درهم و دینار؟ اینها حوزه های درگیر با هم است که ما غافل هستیم . مرد انجام داد و هفته بعد آمد و گفت: معجزه شد ، تمام مشکلاتم حل شد که هیچ دوباره به وضعیت سابق برگشتم ، یابن رسول الله حکمت لانه چه بود ؟ آقا فرمود: این کلاغ رفته بود در قبرستان مسلمین و یک استخوان کوچک از انسان تارک الصلاه ، در خانه آورده بود . چگونه این استخوان در زمان حیات برکت بیاورد وقتی بعد از مرگ نکبت می آورد !!! من بی نماز به دور و اطرافی هایم انرژی های مسموم ساطع و صادر می کنم و فضای انرژیایی پیرامون ام را کثیف می کنم. اگر من مرد و همسرم حجابمان را رعایت نکنیم اولاً حکم خدا را له کرده ایم ، خدایی که حق آب و نمک بر ما دارد ، حق وجود بر گردنمان دارد ، آیا حق ندارد فقط به خاطر اینکه گفته واجب است تبعیت کنیم !! دوماً حق جامعه را هم ضایع کرده ایم . قرآن کریم می فرماید : {احزاب/۳۲} ( فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ ) با حجاب پنداری ، گفتاری و کرداری ام باعث می شوم جامعه مریض شود و مریض های جامعه بیمارتر شوند و بالتبع در حق خودم هم ستم کردم. خداوند هنگامی که به زنان پیامبر(ص) دسن=تور می دهد چنین و چنان حجاب بپوشید، می فرماید: {احزاب/۵۹} ( ذَلِكِ ادْنَىٰ اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ) همین که نگاه حرام به بدن من می افتد سَهْمٌ من سَهْمِ الْاِبْلِيسِ ؛ تیری از تیرهای ابلیس هم به بیننده و هم به دیده شده می خورد . نگاه مسمومی که به من برخورد می کند حاله مرا {به قول روانشناسان اِتْرِيك} کثیف می کند .

هیچ یک از تکالیف رحمانی نیست که اگر انجام نشود این سه حق ضایع نشود .

ادامه دارد ... (شماره ۸ را مطالعه کنید)

## رزق و روزی

### ۷

چگونه رزق و روزی خود را  
افزایش دهیم؟

«فوق العاده کار بردی»

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید

واحد فرهنگی  
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)

